

به بندر امام خمینی (کنونی) متصل می کرد، در واقع هدفی جز ایجاد راهی سهل و آسان برای انتقال نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال کشور نداشت. هدف های نظامی انگلستان ایجاب می کرد که در صورت پیشروی شوروی ها، بتواند به سرعت، نیروهای خود را به شمال کشور منتقل کند. این راه آهن، از هیچ شهر اصلی در آن زمان، غیر از تهران عبور نکرد. در حالی که منافع اقتصادی ایران، مستلزم عبور راه آهن از بندرهای مهم و پیوند شهرهای بزرگ به یکدیگر بود.^{۱۶}

بیشتر بدانید

دکتر محمد مصدق هنگام تصویب لایحه احداث راه آهن، با استناد به نظر کارشناسی مهندس «کاساکوسکی» که در استخدام وزارت فواید عامه دولت ایران بود، مخالفت خود را با این لایحه، چنین بیان کرد: «هرکس به این لایحه رأی بدهد، خیانتی است که به وطن خود نموده است».^{۱۷} وی بعدها با تأکید بر مخالفت خود گفت: «ساختن راه آهن در این مسیر هیچ دلیل نداشت جز اینکه می خواستند از آن استفاده سوق الجیشی کنند و دولت انگلیس هم هر سال مقداری زیاد آهن به ایران بفروشد و از این راه بولی [را] که دولت از معادن نفت می برد، وارد انگلیس کند».^{۱۸}

۱۲) ۳. قرارداد نفت ۱۹۳۳ م. ایران و انگلستان: یکی از قراردادهایی که در دوران رضاشاه منعقد شد، قرارداد نفت ۱۳۱۲ ش. ۱۹۳۳ م. بود که توسط تقی زاده امضا شد. این پیمان، بعد از لغو قرارداد «دارسی» بسته شد.^{۱۹} (انگلستان در سال ۱۹۳۳ م، به این سبب که مدت قرارداد دارسی در حال پایان یافتن بود، تقاضای تجدید آن را کرد. رضاشاه، با ظاهری وطن پرستانه و در واکنشی تند، قرارداد را پاره کرد و اسناد آن را در آتش بخاری سوزاند. او با این ظاهرسازی عوام فریبانه، زمینه را برای قرارداد جدید که به مراتب ننگین تر از قرارداد سابق بود، فراهم کرد و پس از بستن قرارداد ۱۹۳۳ م، دستور داد که هیچ کس و هیچ روزنامه ای، درباره آن سخن نگوید و مطلبی منتشر نکند. به این ترتیب، پرونده آن، تا بعد از شهریور ۱۳۲۰، مسکوت ماند.^{۲۰}) ۱۸

۱۲) ۴. پیمان سعدآباد: دولت انگلستان در سال های میان دو جنگ جهانی دامنه نفوذ و سلطه خود را بر منطقه مهم خاورمیانه افزایش داد. این دولت به منظور جلوگیری از نفوذ و توسعه شوروی،

۱. ن. ک. : نجانی به نقل از کتاب مصدق تألیف علی جان زاده از زبان مصدق می نویسد: «دیکتاتوری با بول ما و به ضرر ما راه آهن کشید و بیست سال برای متفقین تدارک مهمات دید» (نجانی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۵۳).

۲. مصدق، خاطرات و تاملات، ص ۳۵۰.

۳. مصدق، همان، ص ۳۵۱.

۴. بعدها تقی زاده اقرار کرد که در هنگام امضای نفت، آلت دست دولت انگلستان بوده است. ن. ک. : دولت آبادی، همان، ص ۳۲۵.

۱۷- همان، صص ۲۶۴ و ۲۶۵.

۱۸- در دوره رضاشاه قرارداد دارسی چه بود؟ در آن قرارداد جدید چه شد؟
۱۹- در دوره رضاشاه قرارداد نفت ۱۹۳۳ بین ایران و شوروی کدام نمایندگی ایرانی امضا و عقد قرارداد کرد و چرا تا سالهای زیاد پرونده آن مخفی ماند؟ انگلستان - تقی زاده -

۲۰ - ایران بر اساس بیان سکه‌ها در چه مناطقی را از دست داد و نظر مورخان در این باره چیست؟
۲۱ - رفتار سیاسی رضاشاه نسبت به مخالفان و حتی حامیان خود چگونه بود؟

پیمان همکاری و دفاعی چهار جانبه‌ای را موسوم به پیمان سعد آباد بین کشورهای ایران، عراق، ترکیه و افغانستان منعقد کرد.^{۱۹} پیش از امضای پیمان سعد آباد، اختلافات مرزی ایران با سه کشور همسایه با حکمیت انگلستان به طور موقت حل و فصل شد و^{۲۰} (حکومت رضاشاه ناگزیر از، بخشیدن ارتفاعات کوه «آرارات» به ترکیه، بخش‌هایی از شرق ایران به افغانستان و چشم‌پوشی دولت ایران از حق حاکمیت خود بر «اروند رود» شد، به همین سبب، برخی از مورخان معتقدند که رضاشاه به دلیل تعهدهایی که شخصاً به دولت انگلستان داشت، تمامیت ارضی ایران را نادیده گرفت.)^{۲۱}

۱۲) ۵. سلب آزادی، خشونت و بی‌رحمی: در دوران حکومت رضاشاه، فعالیت‌های سیاسی به کلی ممنوع بود و از فعالیت تشکل‌های سیاسی جلوگیری می‌شد. رضاشاه هیچ اعتقادی به احزاب نداشت و به همین دلیل تمام احزاب را منحل کرد. او به صراحت می‌گفت: «هر مملکتی رژیم دارد و رژیم ما یک نفره است».^۱ در حکومت رضاشاه، منتقدان و مخالفان سیاسی به شدت سرکوب می‌شدند.^{۲۱}
۲۲) کسانی که برخلاف نظر او سخنی می‌گفتند و می‌نوشتند، سرنوشتی جز تبعید، زندان، شکنجه و مرگ نداشتند.^۲ رضاشاه حتی نسبت به دوستان و حامیان خود نیز با شقاوت و بی‌رحمی رفتار می‌کرد و با کمترین سوءظنی آنان را از بین می‌برد. اشخاصی مانند فیروز فرمانفرما، تیمورتاش و سردار اسعد بختیاری که نقش زیادی در به قدرت رسیدن و استحکام حکومت استبدادی او داشتند، سرانجام از مقامشان برکنار و روانه زندان شدند و در آنجا به قتل رسیدند.^{۲۲}

۱۳) ۶. جاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی: حاصل جاه‌طلبی‌ها و مال‌اندوزی‌های رضاشاه که با ترساندن و تهدید و زور همراه بود، ثروتی افسانه‌ای بود که او را تبدیل به یکی از ثروتمندترین مردان آن عصر کرد. بالغ بر یک میلیون هکتار زمین^۳، ده‌ها کاخ و ساختمان، هتل، شرکت، چندین کارخانه و مبلغ‌های بسیار هنگفتی پول در بانک‌های انگلستان و ایران، بخشی از ثروت او بود، که پس از شهریور ۱۳۲۰، آن‌ها را به فرزندش منتقل کرد.^۴

جنون جمع‌آوری ثروت و مال‌اندوزی، تنها به غصب زمین‌های مردم و برقراری انحصارهای فروش برنج، پنبه و گندم ختم نمی‌شد؛ بلکه اعتبارها و بودجه مملکتی و خصوصاً درآمدهای نفت را، بدون هیچ حساب و کتاب، در اختیار خود درآورده بود و به میل و اراده شخصی، از آن‌ها استفاده می‌کرد.^۴

۱. ن. ک. : رامبرد، فصل‌نامه مرکز تحقیقات استراتژیک، سال ۱۳۷۵، ص ۳۰.

۲. رضاشاه تنها در یک مورد، در توطئه‌ای از پیش طراحی شده، هشت تن از سران عشایر و ایل‌ها را اعدام، و پانزده نفر از آنان را به زندان‌های طولانی مدت محکوم کرد.

۳. آبراهامیان، همان، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۴. ن. ک. : مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، ص ۲۰؛ گذشته، اجراغ راه آینده است، صص ۹۹-۱۰۲.

۲۲ - نمونه‌های از خشونت‌های رضاشاه نسبت به اطرافیان و حتی بنو میسید؟
۲۳ - رضاشاه چگونه به یکی از ثروتمندترین و سرخودترین افراد شامل چه چیزهایی می‌رسد؟